پژوهش‌های پولی-بانکی
سال ششم، شماره ۱۸، زمستان ۱۳۹۲
صفحات ۱۰۹-۱۲۹

میزان انطباق اصول کمیته بال در نظام بانکی ایران

مهشید شاهچرا*

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۰۴/۱ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۰۷/۰۱

چکیده

از بین استانداردهای مشخص‌شده توسط صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی برای بخش مالی، اصول محوری کمیته بال به‌منظور نظارت مؤثر بانکی تهیه گردیده است. در این مقاله سعی شده تا باتوجه‌به میزان انطباق اصول کمیته بال در ایران، عوامل مؤثر بر انطباق این استانداردها در ایران مورد تجزیه‌وتحلیل قرار گیرد. بدین‌منظور، پس از ارزیابی اصول بال در ایران، با استفاده از ارزیابی بخش مالی با استفاده از مدل‌های دودویی، عوامل مؤثر بر افزایش انطباق اصول بال و نظارت بانکی مؤثر مشخص شده است. طبق برآوردهای مدل پروبیت، نتایج حاکی از آن است که متغیرهای نسبت هزینه، شاخص ثبات بانکی، نسبت سرمایه و نسبت سرمایه به وام و نسبت وام به سپرده بیشترین تأثیر را بر انطباق اصول کمیته بال برای تحقق نظارت بانکی در کشور دارند.

واژه‌های کلیدی: برنامه ارزیابی بخش مالی، مدل پروبیت، نظارت بانکی
طبقه‌بندی JEL: G10، G21، C10، G18

* استادیار، گروه بانکداری، پژوهشکده پولی و بانکی، تهران؛ mahshidshahchera@yahoo.com

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-05]

۱ مقدمه

برنامه ارزیابی بخش مالی به‌دنبال بحران مالی آسیا در انتهای دهه ۱۹۹۰ به‌منظور تقویت نظارت بر نظام مالی در راستای نظارت دوجانبه صندوق بین‌المللی پول و اقدامات بانک جهانی معرفی شد. این برنامه درصدد ترویج ثبات مالی و رشد اقتصاد بین‌المللی کشورهاست. ازاین‌طریق، توصیه‌های هماهنگ سیاستی صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی درزمینه تقویت مسئولیت‌پذیری و استفاده بهینه از منابع تخصصی طی برنامه ارزیابی بخش مالی[1] موردحمایت قرار می‌گیرد.

برنامه ارزیابی بخش مالی به‌عنوان ابزار شناخت بنیانی برای تنظیم اولویت‌ها درزمینه ارائه کمک‌های فنی بخش مالی و حمایت‌های مالی بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول شناخته می‌شود. بررسی نظام مالی نیازمند روش تحلیلی و ابزار روش‌شناسی ویژه‌ای است که درنتیجه آن کلیه اعضاء و مشارکت‌کنندگان از تجربیات آن استفاده کنند و بتواند راهکارهای مناسب برای سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان فراهم آورد.

صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی هر دو نقشی بسیار فعال در فرایند اجرا خواهند داشت. دررابطه با رهنمودهای نظارتی، صندوق بین‌المللی پول کشورهای عضو را برای تطبیق با اصول تشویق می‌کند و به آنها حسب مورد یا براساس اولویت در ارزیابی تطبیقی کمک می‌کند. بانک جهانی نیز حین فعالیت‌های متعارف خود، کشورهای متقاضی را به اجرای اصول ترغیب کرده و همچنین، به آنها کمک می‌کند تا چارچوب نظارتی خود را نسبت به این اصول ارزیابی کنند. بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول درصدد یافتن کشورهایی هستند که نقاط ضعف شناسایی‌شده خود را در رژیم‌های نظارتی و کنترلی بهبود بخشیده و به آنها برای پرداختن به چنین نقاط ضعفی حسب اولویت، کمک‌های فنی و آموزشی ارائه دهند. برنامه ارزیابی بخش مالی دارای اهداف زیر است:

۱) ایجاد واکنش مناسب نظام مالی در برابر تکانه‌ها
۲) شناسایی قوت و ضعف نظام مالی در برابر ریسک‌ها
۳) ارائه کمک‌های فنی در ارائه گزارش‌ها
۴) ارزیابی استانداردهای بخش مالی و کمک به اجرایی‌شدن آنها
۵) کمک به برقراری سیاست مناسب پولی و مالی

[1] Financial Sector Assessment Program

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-05]

برنامه ارزیابی بخش مالی باتوجه‌به شاخص‌های اقتصاد کلان مانند رشد اقتصادی، چگونگی ترازپرداخت‌ها، تورم، تغییرات نرخ بهره، نرخ ارز، ارتباط منابع بانکی و دولتی و شرایط قوانین و مقررات موجود در هر کشور به بررسی شفافیت و ثبات مالی در کشورهای مورد مطالعه پرداخته و چارچوب مفید و قابل انعطافی برای معرفی نقاط آسیب‌پذیر و بررسی بخش مالی برای مسئولان کشورهای مورد مطالعه فراهم می‌سازد. گزارش‌های تحلیلی انجام شده در صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی شرایط خاص هر کشور را مورد تجزیه‌وتحلیل قرار داده و با مشخص‌کردن اختلاف موجود بین مقررات بخش مالی و رویه‌های شفاف و استانداردها و همچنین تدوین و گردآوری اطلاعات و داده‌های موردنیاز برای ارزیابی ثبات مالی در هر کشور، اصلاحات و تحولات خاصی را در نظام مالی کشورها به‌وجود می‌آورد.

ضرورت تدوین یک روش‌شناسی واحد برای برنامه ارزیابی بخش مالی در آن است که استانداردهای ارائه شده به‌منظور ارائه رهنمودهای کلی که در رژیم‌های نظارتی مختلف قابلیت اجرا داشته باشد، طراحی شده است. این اصول امکان انعطاف‌پذیری بیشتری را در طراحی و به‌کارگیری مقایسه‌های عینی فراهم می‌سازد، زیرا مقامات نظارت مالی ممکن است تفاسیر و برداشت نادرستی از استانداردها داشته باشند. همچنین، ارزیابی تطبیقی استانداردها توسط مراجع مختلف ذی‌ربط (نظیر صندوق بین‌المللی پول، بانک جهانی، گروه‌های نظارتی منطقه‌ای، بانک‌های توسعه منطقه‌ای، شرکت‌های مشاوره‌ای) شاید به تفاسیر مختلف و توصیه‌های متفاوت منجر شوند. گرچه نتایج ارزیابی‌ها ممکن است به‌صورت عمومی اعلام نشود، اما اینکه ارزیابی‌ها در تمام کشورها باید به‌صورت ثابت انجام شوند، از اهمیتی بسیار برخوردار است. با وجود ارتباط بین بازارهای مالی و یکپارچگی آنها در کشورهای مختلف استانداردهای یکسانی موردنیاز است تا بتواند راهکارهایی برای افزایش ثبات مالی و جلوگیری از بحران‌های مالی در کشورهای مختلف ارائه شود. ازاین رو، برنامه ارزیابی بخش مالی برای یکپارچگی تجزیه‌وتحلیل‌های مالی در کشورها استانداردهایی را مشخص کرده که عبارت‌اند از:

۱) ضوابط انتخاب رویه‌های مناسب به‌منظور شفافیت در سیاست‌های پولی و مالی؛
۲) اصول محوری کمیته بال به‌منظور نظارت مؤثر بانکی[1]؛
۳) اصول محوری سازمان بین‌المللی شوراهای بورس اوراق بهادار[2]؛

[1] Basel Core Principle for Effective Banking Supervision
[2] International Organization of Securities Commissions

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-05]

۴) اصول مربوط به مقررات اوراق بهادار و اتحادیه بین‌المللی ناظرین بیمه به‌همراه اصول محوری بیمه[1]؛ و

۵) اصول محوری نظام پرداخت‌های مناسب[2].

مطابق با پژوهش‌های انجام‌شده در کشورها، مشکلات مربوط به بی‌ثباتی اقتصاد کلان و اختلالاتی که در برخی کشورها به‌وسیله تکانه‌های خارجی و مدیریت ضعیف ایجاد می‌شود، موجب بروز فشارهایی در بخش مالی و واسطه‌گری مالی شده است. در برخی کشورها ارتباط بین نرخ‌های بالای بهره و وام‌های بازپرداخت‌نشده و سرمایه بانک‌ها موردتوجه و اصلاحات قرارگرفته و در بسیاری دیگر از کشورها ضرورت تقویت چارچوب نظارت بانکی و تجدیدنظر درباره سرمایه و ریسک‌های سرمایه‌ای درمقابل بخش بانکی دولتی و طرح بیمه سپرده‌ها برای جلوگیری از آسیب‌پذیری بانک‌ها از نتایج مهم برنامه ارزیابی بخش مالی مطرح شده است. بررسی‌های انجام‌شده درزمینه استاندارد در بازار اوراق بهادار نیز حاکی از نقایص مهمی در حوزه نظارت، نظام تسویه و شیوه مدیریت شرکتی و مدیریت بدهی‌های دولتی است. به‌طورکلی، از جمله مسائل مطرح‌شده در کمیته مشاوره بخش مالی توجه بیشتر به چارچوب قوانین مالی باتوجه‌به شرایط اقتصادی و نقش بخش غیردولتی و درنظرگرفتن مدت معقول برای اجرای توصیه‌های هیئت کارشناسان برنامه ارزیابی بخش مالی در مسائل ساختاری است.

در این مقاله سعی شده تا با معرفی استانداردهای برنامه ارزیابی بخش مالی و ارزیابی این اصول در ایران در برخی موارد، میزان انطباق آنها در کشور موردبررسی قرار گرفته و سپس با ارائه مدل برای استانداردهای بخش بانکی درزمینه اصول ۲۵گانه کمیته بال، به بررسی عوامل مؤثر بر پیاده‌سازی اصول بال در ایران و نظارت بانکی مؤثر درکشور پرداخته شود.

چاچوب کلی این تحقیق به‌این‌صورت است که در بخش ۲ به بررسی ضرورت نظارت بانکی موثر پرداخته می شود. پس از آن در بخش ۳ مطالعات تجربی و پژوهش‌های انجام‌شده در سایر کشورها موردبررسی قرار می‌گیرد. در بحث ۴ اصول محوری کمیته بال با شرایط اقتصاد ایران تطبیق داده می‌شود. در بخش ۵ مدل پژوهش معرفی‌شده و در بخش ۶ نتایج تجربی گزارش می‌شود. بخش ۷ به نتیجه‌گیری اختصاص دارد.

[1] International Association of Insurance Supervision

[2] Core Principles for Systemically Important Payment Systems

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-05]

۲ ضرورت نظارت بانکی مؤثر

فعالیت بانکی به‌طور اجتناب‌ناپذیری مستلزم پذیرش ریسک است. ریسک‌هایی که بانک‌ها درمعرض آن قرار دارند، از ماهیت فعالیت و همچنین ویژگی‌های خاص ساختار مالی آنها تأثیر می‌پذیرند. به‌طور سنّتی، فعالیت اصلی بانک‌ها بر دریافت سپرده و پرداخت اعتبار و به‌عبارت‌دقیق‌تر واسطه‌گری وجوه استوار است. ساختار مالی آنها نیز به‌گونه‌ای است که اتکای اصلی آنها به بدهی‌ها یا سپرده‌هاست. ازاین رو، نظام بانکی و ثبات آن تا حد بسیار زیادی به اعتماد عمومی وابسته است. هرگونه آسیب به اعتماد عمومی در مورد یک بانک، باتوجه‌به ارتباطی که بانک‌ها به‌صورت رسمی و غیررسمی با یکدیگر دارند، به‌سرعت به کل نظام بانکی و حتی، نظام اقتصادی کشور سرایت می‌کند. حفظ اطمینان و اعتماد عمومی به نظام بانکی، حفظ سلامت نظام بانکی و جلوگیری از وقوع هرگونه نارسایی و بحران در این نظام و به‌طورکلی، جلوگیری از انتقال نارسایی‌های بخش پولی اقتصاد به بخش واقعی آن از اهداف اصلی نظارت بر بانک‌ها است.

کمیته بال دریافته که نظارت بانکی مؤثر مستلزم وجود مجموعه‌ای از پیش‌شرط‌ها است. اگرچه، این پیش‌شرط‌ها عمدتاً خارج از کنترل مقامات نظارتی هستند، اما، کاستی‌های موجود دراین‌زمینه‌ها ممکن است به‌طور قابل‌ملاحظه‌ای توانایی مقام نظارتی برای اجرای مؤثر اصول ۲۵گانه را تضعیف کند. پیش‌شرط‌ها دربرگیرنده گستره وسیعی شامل موارد زیر است:

۱) سیاست‌های مؤثر و بلندمدت کلان اقتصادی؛
۲) زیرساخت‌های عمومی توسعه‌یافته؛
۳) انضباط مؤثر بازار؛
۴) رویه‌هایی برای حل‌وفصل کارای مشکلات و چالش‌های بانک‌ها؛ و
۵) سازوکارهایی برای تأمین سطح مناسبی از حفاظت نظام‌مند.

محیط کلان اقتصادی و ثبات سیاست‌های کلان اقتصادی به‌دلیل تعامل دوسویه آن با سلامت بانک‌ها از موضوعات اصلی محسوب می‌شوند. درعین‌حال که فرایند ارزیابی بر کفایت فرایندهای نظارت بانکی یک کشور متمرکز است، ارزیاب باید باتوجه‌به‌وجود آسیب‌ها و مخاطرات کلان اقتصادی که می‌توانند بر اثربخشی مقررات احتیاطی و ثبات نظام مالی تأثیرگذار باشند، به رویکرد درستی دست یابد. زیرساخت‌های عمومی می‌توانند تأثیر عمیقی بر ظرفیت و پتانسیل موجود برای تطبیق با اصول ۲۵گانه داشته باشند. شاید مهم‌ترین

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-05]

نکته دراین‌خصوص وجود فرهنگ اعتباری مناسب نظیر محیطی که ایفای تعهدات و تقویت قراردادهای مالی را ترویج می‌کند، باشد.

فرهنگ اعتباری باید با کمک پشتوانه کافی از قوانینی که گستره‌ای از مباحث مالی چون قراردادها، ورشکستگی، وثیقه و بازیافت تسهیلات را دربرمی‌گیرد، نهادینه شود. اما، صرف قوانین مناسب کافی نیست. آنها باید توسط گروهی از وکلا و قضات حرفه‌ای و مقیّد به اصول اخلاقی و یک نظام قضایی کارآمد و معقول که تصمیماتش لازم‌به‌اجراست، حمایت شوند. علاوه بر این، زیرساخت مناسب مستلزم حداکثر انطباق استانداردهای حسابداری با بهترین شیوه‌های کاری بین‌المللی است، به‌گونه‌ای که سرمایه‌گذاران و ناظران بتوانند شرایط مالی بانک‌ها را ارزیابی کنند و بانک‌ها نیز قادر باشند سلامت مؤسساتی را که به آنها وام می‌دهند، تحت نظر داشته باشند. برای داده‌های مالی صحیح به گروهی حرفه‌ای از حسابداران و حسابرسان نیاز است.

از دیگر ملاحظات کلیدی در ارزیابی زیرساخت‌های عمومی، میزان اثربخشی نظارت در دیگر بخش‌ها و بازارهای مالی و همچنین مخاطرات مختص به نظام پرداخت است. انضباط مؤثر بازار، به شفافیت مالی و حاکمیت سهامی مؤثر بستگی دارد. البته، این فرایند می‌تواند با فعالیت‌های دولت به‌منظور اثرگذاری بر تصمیمات تجاری به‌ویژه عملیات وام‌دهی تضعیف شود. از این‌رو، هر نوع تأثیری که سیاست‌های دولت بر عملیات وام‌دهی داشته باشد، باید تا حد امکان آشکار و شفاف باشد. به‌این‌ترتیب که سیاست‌های دولت دراین‌زمینه باید انتشار یابد و تضمین‌های دولتی به‌روشنی افشا شوند. ناظران باید به‌منظور دستیابی به راه‌حل‌های مؤثر برای فائق‌آمدن بر مشکلات و مسائل بانکی به گستره کافی و انعطاف‌پذیری از رویه‌ها دست یابند. اصول ۲۵گانه نیازمند برخورداری از اختیارات کافی از قبیل مسئولیت‌داشتن، توانمندی برای کمک، رفع نظام‌مند و فوری مشکلات و چالش‌های بانکی است.

مادامی که کمیته بال برای تدوین رهنمودهای تفصیلی حین فرایند اجرا، تنظیم و ارائه گزارش‌های ارزیابی نقش ویژه‌ای نداشته باشد، ارزیابان باید هنگام انجام ارزیابی و تنظیم گزارش ارزیابی ملاحظاتی را درنظرگیرند. به‌علاوه، کمیته بال درحال تدوین سند الحاقی است که به‌عنوان مثال، فرمتی را برای استفاده در ارزیابی‌ها به صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی پیشنهاد می‌کند. دیگر ارزیابان بالقوه نیز (به‌عنوان‌مثال، بانک‌های توسعه منطقه‌ای، گروه‌های نظارتی بانکی) ممکن است بخواهند از این فرمت در کارهای‌شان بهره گیرند؛ گرچه این فقط یک راه برای انجام ارزیابی به‌شمار می‌آید. درحین اجرای فرایند ارزیابی، ارزیاب باید دسترسی کامل به اطلاعات و طرف‌های موردنظر خود داشته باشد.

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-05]

اطلاعات موردنیاز نه تنها شامل اطلاعات منتشره نظیر قوانین مربوط و سیاست‌ها و مقررات است، بلکه اطلاعات حساس‌تر همچون نتایج خودارزیابی‌ها، رهنمودهای عملیاتی برای ناظران و تاحدممکن نتایج ارزیابی‌های نظارتی بانک‌های خاص را دربرمی‌گیرد. این اطلاعات باید تاحدی دراختیار ناظران قرار گیرد که آنها الزامات قانونی مربوط به حفظ و نگهداری محرمانه اطلاعات را نقض نکنند.

ارزیاب می‌تواند نیازهای اطلاعاتی خود را از گستره‌ای از اشخاص و سازمان‌ها شامل مقامات نظارتی بانک‌ها، دیگر مقامات نظارتی داخلی وزارتخانه‌های دولتی مرتبط، بانکداران و انجمن‌های بانکی، حسابرسان و دیگر اشخاص ذی‌ربط در بخش مالی تأمین کند. هنگامی که اطلاعات موردنیاز ارائه نشود، باید دراین‌مورد که نبود این اطلاعات می‌تواند چه تأثیری بر دقت ارزیابی بر جای گذارد، یادداشت ویژه‌ای تهیه شود. ارزیابی تطبیق با هر یک از اصول ۲۵گانه مستلزم ارزیابی مجموعه‌ای به‌هم‌پیوسته از الزامات مرتبط است که بسته به اصل مربوط می‌تواند قانون، مقررات احتیاطی، دستورالعمل‌های نظارتی، بازرسی‌های حضوری، تجزیه‌وتحلیل‌های غیرحضوری، چگونگی ارائه گزارش‌های نظارتی و افشای آن به عموم و اسناد اجرا یا اجرای آنها را شامل شود. همچنین ضروری است بررسی شود که آیا مقام نظارتی از مهارت‌های کافی، منابع و تعهد به اجرای اصول ۲۵گانه برخوردار است.

به‌علاوه، در ارزیابی باید اطمینان حاصل شود که الزامات به مرحله عمل درآمده باشد. هدف اولیه یک فرایند ارزیابی باید شناسایی ماهیت و دامنه و گستره ضعف‌ها در نظام نظارت بانکی و تطبیق با اصول ۲۵گانه باشد. ارزیابی‌ها نباید صرفاً بر نقاط ضعف متمرکز باشد. بلکه باید به نقاط مثبت و موفقیت‌ها نیز بپردازد. این رویکرد امکان بهره‌گیری از مقیاس دقیق‌تر و صحیح‌تر را در مقایسه با تطبیق کلی با اصول فراهم می‌سازد. نتایج چنین ارزیابی‌هایی نباید برای رتبه‌بندی یک نظام نظارتی استفاده شود. بلکه باید برای تدوین یک برنامه اجرایی زمان‌بندی‌شده که اصلاحات موردنیاز برای نیل به تطبیق کامل با اصول ۲۵گانه را اولویت‌بندی می‌کند، به‌کار رود.

۳ پژوهش‌های تجربی

نظارت بر نظام بانکی به‌صورت کارآمد ازجمله پیش‌شرط‌های اساسی برای حصول اطمینان از ثبات و انسجام نظام اقتصادی و مالی کشور است. هدف اصلی از نظارت بر بانک‌ها، درواقع، حفظ ثبات نظام مالی، افزایش میزان اعتماد به آن و حفظ حقوق سپرده‌گذاران و عامه مردم است، از این‌رو مجموعه قوانین و مقررات عمدتاً به‌خاطر آن است که مقام ناظر اطمینان یابد بانک‌ها و مؤسسات اعتباری به‌شیوه‌ای صحیح و ایمن عمل کرده و در مقابله

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-05]

با ریسک‌های فراروی خود از سرمایه و ذخایر کافی برخوردار هستند. کورنفورد[1] (۲۰۰۶) در بررسی خود به عوامل مؤثر در پیاده‌سازی بال ۲ در کشورهای آفریقای جنوبی، هند، سوئیس، برزیل،اردن، آمریکا و پاکستان می‌پردازد. به‌نظر وی موفقیت در پیاده‌سازی بال ۲ با سرعت بیشتر در کشورهای مختلف بستگی به قدرت بانک مرکزی آن کشورها دارد. پیاده‌سازی بال در کشورهای مختلف باتوجه‌به ساختارهای اقتصادی و بانکی آنها متفاوت است.[2] در آفریقای جنوبی پیاده‌سازی باتوجه‌به شرایط اقتصادی و مالی در حدود یازده سال به‌طول انجامید و در ژانویه ۲۰۰۸ به‌طور کامل پیاده‌سازی بال ۲ انجام شد. در کشور هند این پیاده‌سازی بسیار کوتاه بوده و مدت زمان پیاده‌سازی بال ۲، از سال ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۳ به‌طول انجامید. درحالی‌که در سال ۲۰۱۰ بانک‌های هندی در ابتدا از روش‌های اولیه بال ۲ استفاده می‌کردند و پس از گذشت دو سال به‌خوبی توانستند پیاده‌سازی بال ۲ را انجام دهند.[3]

در کشور سوئیس مانند آفریقای جنوبی، پیاده‌سازی بال ۲ در بانک‌های بزرگ این کشور از سال ۲۰۰۶ شروع شد. برای پیاده‌سازی بال ۲ در کشور سوئیس در محاسبه ریسک اعتباری و عملیاتی و ریسک بازار برای بانک‌های داخلی و خارجی از روش‌های متفاوتی استفاده می‌شود و روش استانداردشده در کشور سوئیس برای بانک‌های داخلی و روش استاندارد بین‌المللی برای بانک‌های خارجی در این کشور در نظر گرفته شده است. پیاده‌سازی این روش‌ها در ژانویه ۲۰۰۷ برای روش‌های ساده‌تر و اولیه (پیاده‌سازی اولیه) و تا ژانویه ۲۰۰۸ پیاده‌سازی کامل روش‌های محاسبه ریسک انجام شد. بانک‌های برزیل یک برنامه بلندمدت پیاده‌سازی از سال ۲۰۰۴ تا ۲۰۱۳ برای پیاده‌سازی کامل بال ۲ داشتند.[4]

پیاده‌سازی بال ۲ در آمریکا طی دو مرحله انجام شد. پیاده‌سازی بال ۱ برای بانک‌های کوچک‌تر و پیاده‌سازی بال ۲ برای بانک‌های بزرگ‌تر از سال ۲۰۰۷ صورت پذیرفت. وجود مشکلات ایجادشده در بحران مالی اخیر در سال ۲۰۰۷ و ۲۰۰۸ پیاده‌سازی بال ۲ را با مشکل روبه‌رو کرد و با پیاده‌سازی بال ۳، مشکلات بال ۲ درزمینه سرمایه پشتیبان، نقدینگی و اهرم‌های مالی برطرف شد.[5]

---

[1] Cornford
[2] Neville (2005)
[3] Mehra (2010)
[4] Makwirmiti (2008)
[5] Folpmers (2010)

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-05]

مسعود و فری[1] (۲۰۱۱) در مقاله خود پیاده‌سازی بال ۲ را در پاکستان موردبررسی قرار می‌دهند. شرایط اقتصادی پاکستان بر پیاده‌سازی بال ۲ و مدیریت ریسک در بانک‌های این کشور تأثیر داشته است. بانک‌های خصوصی و دولتی درمورد پیاده‌سازی بال ۲ متفاوت عمل کرده و بانک‌های خصوصی عملکرد بهتری از بانک‌های دولتی با استفاده از روش‌های خاص در پیاده‌سازی بال ۲ داشته‌اند.

بارث، کاپریو و راس[2] (۲۰۰۱) چارچوب مقرراتی و نظارتی اصول بال را به‌صورت یک پایگاه داده آماری برای اکثر کشورهای جهان درزمینه انطباق اصول بال فراهم کردند. آنها در سال‌های ۲۰۰۴ و ۲۰۰۶ نیز با ارتقای پایگاه اطلاعاتی خود، با اکثر متغیرهای بانکی و اقتصادی تأثیرات پیاده‌سازی اصول بال را در کشورهای مختلف بررسی کردند. از مقالات مختلف دیگری ازاین‌دست می‌توان به پژوهش‌های پودپرا (۲۰۰۴) و داس، ایسیفو، رودپیرا و روژهاو[3] (۲۰۰۴) اشاره کرد.

پودپرا[4] (۲۰۰۴) به بررسی کیفیت قوانین و مقررات بانکی موجود در استانداردهای برنامه ارزیابی بخش مالی و تأثیر آنها بر عملکرد نظام مالی و بانکی در ۶۵ کشور جهان طی سال‌های ۱۹۹۸ تا ۲۰۰۲ با استفاده از روش داده‌های تابلویی می‌پردازد. او با استفاده از متغیرهایی همچون حاشیه سود، میزان انطباق با اصول نظارت کمیته بال و متغیرهای اقتصاد کلان مدلی را طراحی کرده و این تأثیرات را بر یکدیگر موردبررسی قرار داده است. براساس نتایج آنها حاشیه سود و عملکرد نظام بانکی و مالی با انطباق با اصول کمیته بال افزایش یافته و مطالبات معوق بانک‌ها را کاهش خواهد داد.

۴ ارزیابی اصول محوری کمیته بال به منظور نظارت مؤثر بانکی در ایران

ترتیبات تدوین مقررات و اعمال نظارت بر بانک‌ها در هر کشور متفاوت با کشور دیگر است. ازجمله عوامل مهمی که تفاوت در رویکرد نظارتی و چگونگی اعمال نظارت بر بانک‌ها را بیان می‌کنند، وضعیت نظام مالی کشورها از نظر تعداد و اندازه مؤسسات بانکی، پیچیدگی فعالیت بانک‌ها، آزادی نسبی نظام مالی و چگونگی افشای اطلاعات بانکی و همچنین دسترسی به فنّاوری اطلاعات و نیروی انسانی موردنیاز هستند.

[1] Masood & Fry
[2] Barth, Caprio & Ross
[3] Das, Iossifov, Podpiera & Rozkhov
[4] Podpiera

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-05]

اصول ۲۵گانه نظارت بانکی مؤثر به‌عنوان مهم‌ترین استاندارد جهانی برای کنترل و نظارت احتیاطی به‌شمار می‌رود. اکثریت قابل‌توجهی از کشورها این اصول را تأیید کرده و عزم خود را برای به کارگیری آنها اعلام داشته‌اند. در نخستین گام برای اجرای کامل آن اصول، باید ارزیابی دقیقی از قابلیت انطباق هر کشور با اصول مزبور انجام شود. این ارزیابی، ضعف‌ها و کاستی‌های نظام فعلی کنترل و نظارت را شناسایی کرده و مبنایی برای سنجش‌های مفید و مؤثر مقامات دولتی و ناظران بانکی فراهم می‌سازد. این ارزیابی‌ها عموماً به‌وسیله خود کشورها یا طرف‌های ثالث انجام می‌شود. کمیته بال در خصوص نظارت بانکی بر آن است که چنین ارزیابی‌هایی را به‌دلیل فقدان منابع انجام ندهد. اما، برای کمک به این مهم به روش‌های دیگر نظیر مشاوره و آموزش اعلام آمادگی کرده است. اعضای کمیته همچنین می‌توانند به‌صورت مستقل در ارزیابی مأموریت و هدف غایی که توسط مراجع ثالث نظیر صندوق بین‌المللی پول، بانک جهانی، بانک‌های توسعه منطقه‌ای، سازمان‌های نظارتی منطقه‌ای و مشاوران خصوصی انجام می‌شود، مشارکت کنند. به‌علاوه، امکان حسابرسی مجدد نیز وجود دارد، بدین‌ترتیب که کارشناسان نظارتی یک کشور، کشور دیگری را ارزیابی کنند و بالعکس.

به‌منظور اینکه ارزیابی‌ها، عینی و تا حد ممکن یکسان باشند، ضروری است استانداردهای هماهنگی برای اجرای اصول ۲۵گانه تدوین شود. تجربه نشان داده است که این اصول می‌توانند به گونه‌ای کاملاً متمایز تفسیر شوند. تفاسیر ناصحیح ممکن است به عدم‌ثبات میان ارزیابی‌ها منجر شود. با عنایت به این مهم، کمیته بال در جلسه اکتبر ۱۹۹۸ قصد داشت سندی را برای استفاده در ارزیابی‌های تطبیقی تهیه کند. پیش‌نویس آن توسط کارگروه موقتی متشکل از نمایندگانی از مؤسسات عضو کمیته بال، صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی تنظیم شد. به‌علاوه، هنگام تنظیم پیش‌نویس، با گروه رابط اصول ۲۵گانه متشکل از ناظران ارشد کشورهای عضو و غیرعضو گروه ۱۰[1] و بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول مشورت شد. اما طی سال‌های اخیر، صنعت بانکداری نیز همانند بسیاری از علوم و فنون دیگر، دستخوش تغییر و تحولات گسترده‌ای قرار گرفته است. از سال ۱۹۹۷ میلادی تاکنون، این صنعت شاهد ابتکارات و تحولات زیادی درزمینه بازارها و ابزارهای مالی و نیز روش‌ها و شیوه‌های نظارتی بوده است. همچنین تجارب حاصل از ارزیابی اصول مزبور توسط کشورهای مختلف، لزوم بازنگری در این سند و نیز شفاف‌سازی

[1] کشورهاي عضو گروه ۱۰ (G10) عبارت هستند از: بلژیک، کانادا، فرانسه، آلمان، ایتالیا، ژاپن، هلند، سوئد، سوئیس، انگلستان و آمریکا.

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-05]

و برجسته‌کردن برخی از بخش‌های آن را نمایان ساخت. در ادامه به بررسی اصول محوری بال در کشور ایران می‌پردازیم.

در اصل اول اهداف، استقلال و تعیین حدود و امتیازات و شفافیت ناظر بانکی یعنی بانک مرکزی موردنظر است. این اصل شامل اجزا و زیربخش‌هایی است که هر یک از این زیربخش‌ها به بخشی از وظایف و اختیارات ناظر و استقلال عملیاتی بانک مرکزی می‌پردازد.

مطابق با ماده ۱۰ و ۱۱ قانون پولی و بانکی کشور، بانک مرکزی مسئول تنظیم قوانین و مقررات و سیاست‌های پولی در کشور است و وظایف بانک مرکزی نیز به‌عنوان بانکدار دولت در ماده ۱۲ همان قانون به‌صورت مشخص بیان شده است، بنابراین در میزان مشخص‌بودن اهداف و مسئولیت مالی ناظر بانک‌ها (بانک مرکزی) انطباق کامل با اصول بال وجود دارد. درزمینه استقلال عملیاتی مالی ناظر، در اصول کمیته بال بیان شده است که مؤسسه نظارتی باید به روشی تأمین اعتبار شود که استقلال آن به مخاطره نیفتد و امکان نظارت مؤثر با وجود حقوق و دستمزد مناسب برای جذب و حفظ کارکنان واجد شرایط و متخصص و امکان استخدام و به‌کارگیری افراد متخصص خارج از سازمان برای مواجهه با موقعیت‌های خاص وجود داشته باشد. براساس بررسی‌های انجام‌شده و نظر کارشناسان مربوطه استقلال بانک مرکزی در کشور از نظر مالی و عملیاتی مورد تردید است. در مورد چارچوب مناسب قانونی برای نظارت بانکی که در بخش دیگری از این اصل موردتأکید قرار گرفته است نیز می‌توان اشاره کرد که مواد قانونی ۳۰ تا ۳۷ قانون پولی و بانکی کشور به تبیین ضوابط صدور مجوز و تأسیس بانک‌ها می‌پردازد و این بخش با وجود اینکه در اصل سوم اصول نظارت مؤثر بانکی نیز به‌صورت کامل‌تر بررسی می‌شود، ارزیابی این بخش در ایران منطبق با اصول کمیته بال است. بخش چهارم در اصل اول نیز به بررسی چارچوب مناسب برای ناظران در مورد انطباق عملکرد بانک‌ها با قوانین و اجرای اقدامات تنبیهی و اصلاحی می‌پردازد که مطابق با مواد قانونی ۳۹ و ۴۰ و ۴۱ قانون پولی و بانکی کشور می‌توان اجرای این اصل را در ایران نیز منطبق دانست. با وجود این در ارزیابی کلی اصل اول به علت مورد تردید بودن استقلال مالی و عملیاتی بانک مرکزی نمی‌توان ارزیابی این اصل را در ایران کاملاً منطبق دانست؛ لذا ارزیابی این اصل نامنطبق است؛ زیرا استقلال بانک مرکزی از اهمیت ویژه‌ای در ارزیابی این اصل برخوردار است.

در اصل دوم اصول نظارت مؤثر بانکی فعالیت‌های مجاز مؤسساتی که دارای مجوز هستند و به‌عنوان بانک تحت نظارت قرار دارند به‌طور واضح باید تعریف شده باشد و استفاده از واژه بانک در عناوین مؤسسات تا آنجا که ممکن است باید تحت‌کنترل ناظر باشد. در قوانین پولی و بانکی کشور به‌صورت مشخص تعریف واضح و روشن از «بانک» و

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-05]

شرح وظایف و خدمات بانکی صورت نگرفته است. در قانون پولی و بانکی کشور در سال ۱۳۳۹ تعریف مشخصی از بانک وجود دارد که در قانون پولی و بانکی کنونی این تعریف حذف شده است. بنابراین باتوجه‌به چنین موردی ارزیابی این اصل در ایران نامنطبق است.

در اصل سوم فرایند صدور مجوز به همراه ارزیابی ساختار مالکیت، هیئت مدیره، مدیریت ارشد، برنامه عملیاتی، کنترل‌های داخلی و پیش‌بینی وضعیت مالی مؤسسه مالی و اعتباری در آینده موردتأکید قرار گرفته است که این موارد در ضوابط تأسیس بانک‌های غیردولتی مصوب ۱۳۷۹/۹/۲۰ شورای پول و اعتبار به‌خوبی بیان شده است و ارزیابی این اصل را در ایران منطبق با اصول کمیته بال درنظرمی‌گیرد.

در اصل چهارم حمایت قانونی از ناظران بانکی برای بررسی انتقال مالکیت و کنترل منابع بانکی بیان شده است که باتوجه‌به نکات لازم‌الرعایه در اساس‌نامه بانک‌های غیردولتی مصوب ۱۳۸۰/۲/۳۰ شورای پول و اعتبار، هدف بانک نباید صرفاً تأمین منابع مالی برای سهام‌داران خود و یا اشخاص و گروه‌های خاص باشد. بنابراین مطابق با اصل چهارم باید تعریف مانع و جامعی از سهم عمده مالکیت وجود داشته باشد که در ایران این اصل براساس قوانین و مقررات به خوبی تصریح شده است. البته باتوجه‌به مشاوره کارشناسان معتبر نظام بانکی ایران این موارد بر روی کاغذ به‌خوبی بیان شده ولی به‌صورت کاربردی اجرا نمی‌شود.

در اصل پنجم به بررسی سرمایه‌گذاری‌ها و یا خریدهای عمده یک بانک پرداخته می‌شود و بیان می‌کند که یک بانک باید معیارهایی را دراین‌زمینه وضع کند که ساختارها یا ارتباطات شرکتی خود را در معرض ریسک‌های ناخواسته قرار نداده و یا مانع از نظارت کارآمد نشوند. قوانین مندرج در ماده ۳ دستورالعمل سرمایه‌گذاری مصوب ۱۳۸۶/۱/۱۸ شورای پول و اعتبار به تعیین حدود سرمایه‌گذاری‌های مختلف بانک‌ها و مؤسسات اعتباری می‌پردازد و بنابراین ارزیابی این اصل در ایران منطبق با اصول کمیته بال است.

در اصل ششم به مبحث تعیین حداقل الزامات کفایت سرمایه برای بانک‌ها اشاره شده است. مطابق با آیین‌نامه کفایت سرمایه مصوب ۱۳۸۲/۱۱/۲۵ شورای پول و اعتبار، حداقل نسبت کفایت در ایران مشخص شده است. اقلام تشکیل‌دهنده سرمایه نیز در ماده ۲ آیین‌نامه مربوط به سرمایه پایه بانک‌ها و مؤسسات اعتباری مصوب ۱۳۸۲/۱۰/۲۷ شورای پول و اعتبار به‌صورت مشروح بیان شده است. البته باتوجه‌به اهمیت سرمایه در بانک‌ها، کمیته بال اقدام به انتشار بیانیه‌های مختلف درزمینه الزامات سرمایه‌ای کرده است. نخستین بیانیه کمیته بال تحت عنوان بال ۱ و دومین بیانیه که در جهت رفع اشکالات بال ۱ تهیه شده است تحت عنوان بال ۲ مشهور است.

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-05]

در ایران عملاً از سال ۱۳۸۲ اجرای بیانیه اول کمیته بال صورت گرفته است و ساده‌بودن بال ۱ نسبت به بال ۲ کمک شایانی در اجرایی‌کردن مقررات مربوطه با عنوان آیین‌نامه کفایت سرمایه در ایران کرده است ولی با وجود آنکه بال ۲ معیارهای کفایت سرمایه بانک‌ها و روش‌های برآورد ریسک‌های اعتباری، بازار و عملیاتی را با مقاصد اجرایی طراحی کرده است به نظر لازم است که کشور در اجرایی‌کردن ضوابط بال ۲ نیز پیش‌نیازهای لازم را فراهم کرده و بانک‌های کشور را ملزم به اجرای بال ۲ نماید.

در اصول ۷ و ۸، اصول نظارت مؤثر بانکی به ترتیب فرایند جامع مدیریت ریسک و فرایند مدیریت ریسک اعتباری موردبررسی قرارگرفته است. ارزیابی فرایند جامع مدیریت ریسک بستگی به ارزیابی کلیه ریسک‌های موجود در نظام بانکی دارد که باتوجه‌به نقایصی که در نظام مدیریت ریسک کشور، بین کلیه بانک‌های کشور وجود دارد، ارزیابی این اصل در کشور تاحدودی منطبق است.

در اصل هشتم نیز باتوجه‌به بخشنامه مورخ ۱۳۸۶/۴/۱۹ اهمیت و لزوم برخورداری بانک‌ها و مؤسسات اعتباری جهت اجرا و بسترسازی برای مدیریت مؤثر ریسک اعتباری بیان شده است و ارزیابی این اصل در ایران تاحدودی منطبق با اصول نظارت مؤثر بانکی است.

در اصل نهم اصول نظارت مؤثر بانکی (کمیته بال) بر مدیریت دارایی‌های مسئله‌دار و ارزیابی میزان کفایت ذخایر و اندوخته‌ها تأکید شده است. براساس ماده ۲ دستورالعمل طبقه‌بندی دارایی‌های مؤسسات اعتباری مصوب ۱۳۸۵/۱۰/۹ شورای پول و اعتبار، تسهیلات طبقه‌بندی شده‌اند و ارزیابی این اصل باتوجه‌به نابسامانی‌های موجود درزمینه مطالبات معوق بانک‌ها در کشور تاحدودی منطبق است.

در اصل دهم و یازدهم به بررسی و شناسایی نقاط تمرکز پرتفوی بانک‌ها و چگونگی مدیریت پرتفوی بانک‌ها و همچنین پیشگیری از سوءاستفاده‌های ناشی از ارائه وام به بستگان پرداخته می‌شود. این دو اصل از اصول کمیته بال باتوجه‌به آیین‌نامه تسهیلات و تعهدات اشخاص مرتبط در کشور مصوب ۱۳۸۹/۷/۲۷ شورای پول و اعتبار اجرایی شده است و ارزیابی این دو اصل در کشور منطبق با اصول کمیته بال است.

از اصل دوازدهم تا شانزدهم به بررسی مدیریت ریسک کشوری، ریسک بازار، ریسک نقدینگی و ریسک عملیاتی و ریسک نرخ بهره پرداخته شده است. در هر یک از موارد بانک مرکزی بخشنامه‌های مختلفی جهت رهنمود بانک‌ها و همچنین اجرایی‌کردن این رهنمودها جهت کنترل ریسک‌های مختلف در نظام بانکی کشور ارائه کرده است که به‌طورکلی، باتوجه‌به مدیریت ریسک در نظام بانکی کشور می‌توان ارزیابی مدیریت ریسک را در کشور تاحدودی منطبق و در برخی زمینه‌ها مانند ریسک بازار نامنطبق دانست.

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-05]

در اصل هفدهم نیز بر کنترل‌های داخلی بانک‌ها تأکید شده است که مطابق با بخش‌نامه ۱۳۸۶/۳/۳۱ بانک مرکزی نظام کنترل داخلی بانک‌ها از پنج عنصر به‌هم‌پیوسته شامل محیط کنترلی، شناسایی و ارزیابی ریسک، فعالیت کنترلی، اطلاعات و ارتباطات و خودارزیابی و اصلاح نارسایی‌ها تشکیل شده است. این پنج عنصر براساس معروف‌ترین الگوی کنترل داخلی تحت نام COSO[1] بوده و فرایندی را ایجاد می‌کند که توسط هیئت‌مدیره و دیگر کارکنان مؤسسه مالی و اعتباری اجرا می‌شود. این فرایند با هدف کسب اطمینان منطقی و معقول از دستیابی به اهداف اثربخش و کارایی عملیاتی، قابلیت اعتماد به گزارشگری مالی و پایبندی به قوانین و مقررات جاری تدوین شده است. در ایران باتوجه‌به قوانین و مقررات موجود فرایند اجرای کنترل داخلی منطبق با اصول کمیته بال است.

در اصل هجدهم تأکید بر مقررات شناخت مشتری است که باتوجه‌به قانون مبارزه با پول‌شویی مصوب سال ۱۳۸۶ و آیین‌نامه اجرایی قانون مبارزه با پول‌شویی مصوب ۱۳۸۸/۹/۱۱ این اصل در ایران کاملاً منطبق با اصول بال است.

اصل نوزدهم به بیان درک جامع از عملیات بانک‌ها و گروه‌های بانکی می‌پردازد که باتوجه‌به ساختارهای بانکی با مالکیت موازی می‌توان ارزیابی این اصل را در ایران تاحدودی منطبق دانست. در اصل بیستم بر نظارت حضوری و غیرحضوری تأکید شده است که مطابق با ماده ۲۳ و ۲۴ دستورالعمل تأسیس فعالیت و نظارت کلیه مؤسسات اعتباری، ارزیابی این اصل در ایران منطبق با اصول بال درزمینه نظارت بانکی است.

در اصل بیست‌ویکم بر گزارشگری مالی تأکید شده است. ناظران بانکی باید دارای ابزارهایی باشند که به‌وسیله آنها گزارشگری احتیاطی و اطلاعات آماری را به هر دو صورت انفرادی و تلفیق از بانک‌ها گردآوری کرده و مورد تجزیه‌وتحلیل قرار دهند. ارزیابی این اصل در ایران به‌علت تهیه صورت‌های مالی و دراختیار قراردادن اطلاعات هفتگی و ماهانه و فصلی و شش‌ماهه بانک مرکزی از بانک‌ها منطبق با اصول کمیته بال است.

در اصل بیست‌ودوم انتشار منظم اطلاعاتی و رعایت استانداردهای حسابداری بررسی شده است که در ایران باتوجه‌به استانداردهای موجود درزمینه حسابرسی و حسابداری و تلاش برای برقراری چنین استانداردهایی در کشور این اصل تاحدودی منطبق است. اصل بیست و سوم به اعمال اقدامات اصلاحی و ترمیمی توسط ناظران بانکی پرداخته است. مطابق با ماده ۳۹ و ۴۴ قانون پولی و بانکی کشور، مقررات کیفری و انتظامی بانک‌ها مشخص شده است و در ماده ۴ طرز اداره بانک‌ها نیز به نحوه الغاء یا تأسیس بانک‌ها

[1] Committee of Sponsoring Organizations

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-05]

پرداخته شده است. باید توجه داشت که برخی اختیارات نظارتی درزمینه اقدامات اصلاحی و ترمیمی برعهده شورای پول و اعتبار است و برخی دیگر در اختیار هیئت انتظامی بانک‌ها گذاشته شده است. در برخی موارد برای محدودکردن اختیارات مقام نظارتی قانون‌گذار، برخی از اختیارات به هیئت انتظامی بانک‌ها داده شده که ازاین‌نظر، اقدامات مقام نظارتی بسیار محدود شده است. بنابراین مطابق با موارد یاد شده ارزیابی این اصل در ایران تاحدودی منطبق است.

در اصل بیست‌وچهارم و بیست و پنجم نظارت یکپارچه و تلفیقی مراجع نظارتی کشورها موردبررسی قرار گرفته است و بیشتر این دو اصل بر نظارت برون‌مرزی تأکید داشته‌اند که مطابق با آیین‌نامه اجرایی نحوه تأسیس و عملیات شعب بانک‌های خارجی در ایران، ارزیابی این دو اصل در کشور تاحدودی منطبق است.

باتوجه‌به ارزیابی‌های بالا، در هر اصل می‌توان شاخص‌هایی را معرفی کرد که درارتباط مستقیم با اصول بال هستند. این شاخص‌ها باتوجه‌به شاخص‌های عملکرد، نقدینگی و کیفیت دارایی‌ها در نظام بانکی انتخاب شده و در قسمت بعدی در مدل تصریح می‌شود و میزان تأثیر این شاخص‌ها بر نظارت بانکی و انطباق اصول بال در ایران مشخص خواهد شد.

۵ تصریح مدل

در این بخش، مدلی با استفاده از ارتباط بین متغیرهای بانکی و انطباق اصول بانکی در کشور ارائه خواهد شد. در تحلیل روابط بین متغیرها برخی مواقع پیش می‌آید که متغیر وابسته دارای دو سطح است (متغیر مجازی). مثلاً ممکن است متغیر وابسته مشارکت و یا عدم‌مشارکت فرد در برنامه باشد. دراین‌موارد، برای تحلیل داده‌ها باید از مدل احتمالی خطی (لاجیت یا پرابیت[1]) استفاده کرد.

با استفاده از مدل پروبیت عوامل مؤثر بر افزایش میزان انطباق اصول بال در نظام بانکی کشور بررسی می‌شود. مدل پروبیت احتمال انطباق اصول بال از استانداردهای بین المللی درزمینه بانکی را به‌صورت تابعی از بردار متغیرهای توضیحی برآورد می‌کند. تابع توزیع تجمعی جمله تصادفی مدل پروبیت دارای توزیع نرمال است. بنابراین، یک توزیع نرمال استاندارد برای بیان احتمال انتخاب‌شده به صورت رابطه ۱ بیان می‌شود.

[1] Logit or Probit

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-05]

$$P_i = \text{Prob}\{Y_i = 1|\boldsymbol{X}\} = \phi(\boldsymbol{\beta}'\boldsymbol{X}) = \int_{-\infty}^{\boldsymbol{\beta}'\boldsymbol{X}} (\phi(\boldsymbol{Z}))\boldsymbol{dZ} \quad (۱)$$

که در آن $\boldsymbol{X}$ متغیر توضیحی، P_i احتمال تجمعی وقوع پیش‌آمد، $\boldsymbol{\beta}$ بردار ضرایب و $\phi(\boldsymbol{Z})$ تابع چگالی نرمال استاندارد است.

برای برآورد مدل‌های دودویی از روش حداکثر درست‌نمایی استفاده می‌شود. مدل پروبیت زمانی که فرض نرمال‌بودن توزیع متغیر وابسته برقرار باشد به‌کار می‌رود. انطباق اصول بال در ایران براساس قوانین و مقررات موجود در کشور و تحولات و ساختار نظام بانکی به‌صورت کدگذاری صفر و یک تبدیل شده و به‌صورت متغیر کیفی در مدل وارد شده است. روش مورداستفاده در این مطالعه مدل پروبیت است. در این مدل، ابتدا احتمال انطباق اصول بال در کشور به‌دست آمده و براساس ارزیابی انجام‌شده، میزان انطباق با اصول بال در ایران طی سال‌های ۱۳۷۶ تا ۱۳۹۰ به‌صورت متغیر وارد مدل شده و در مرحله بعدی تجزیه‌وتحلیل عوامل مؤثر بر آن و کلیه متغیرهای توضیحی در مدل صورت می‌گیرد.

۶ برآورد مدل

براساس ارزیابی انجام شده، میزان انطباق با اصول بال در ایران طی سال‌های ۱۳۷۶ تا ۱۳۹۰ به‌صورت متغیر وارد مدل شده و با استفاده از داده‌های آماری بانک مرکزی شاخص‌های بانکی در نظام بانکی کشور طی سال‌های ۱۳۷۶ تا ۱۳۹۰ مورداستفاده قرار گرفته است. داده‌های آماری این پژوهش کلیه شاخص‌های بانکی نظام بانکی کشور ایران در سال‌های ۱۳۷۶ تا ۱۳۹۰ هستند. در مرحله بعدی به تجزیه‌وتحلیل عوامل مؤثر بر آن پرداخته‌شده است.

برای بررسی متغیرهای توضیحی در مدل از آزمون مانایی برای کلیه متغیرها انجام‌شده و متغیرهای غیرمانا به مانا تبدیل شده‌اند. در جدول ۱ آزمون مانایی متغیرهای مدل نشان‌داده‌شده است. متغیرهای توضیحی استفاده‌شده در مدل عبارت‌اند از: نسبت سرمایه، حاشیه سود، نسبت هزینه، نسبت سرمایه به وام‌های اعطایی، نسبت وام به دارایی‌ها، نسبت بازدهی دارایی‌ها، نسبت بازدهی سرمایه، نسبت وام به سپرده‌ها، دارایی‌های نقد به سپرده‌ها، ذخیره وام‌های سوخت‌شده به خالص وام‌ها و شاخص ثبات بانکی (z-score).

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-05]

نسبت‌های سودآوری، سلامت یک بانک یا مؤسسه مالی را حفظ می‌کند. عدم سودآوری و سودآوری بسیار بالا هر دو برای یک سازمان مالی بازتاب‌دهنده ریسک فراوان است.[۱]

کیفیت و روند تحصیل درآمدها در یک نهاد مالی، ارتباط زیادی با چگونگی مدیریت دارایی‌ها و بدهی‌ها در آن نهاد دارد. سودآوری و به تبع آن رشد دارایی‌های مالی یک مؤسسه مالی به افزایش ذخایر آن منجر شده و حقوق سهام‌داران را افزایش می‌دهد. نسبت‌های سرمایه متغیری اساسی برای نشان‌دادن توان ایستادگی بانک و شرکت در مقابل تکانه‌های وارده است. در نسبت‌های کیفیت دارایی‌ها، تمرکز اولیه تجزیه‌وتحلیل بر ریسک اعتباری است. نسبت‌های کیفیت دارایی، به نوعی اعتبار نسبت‌های کفایت سرمایه را تأیید می‌کنند. برای مثال در برخی موارد امکان دارد که وجود مخاطرات ناتوانی یک بانک در بازپرداخت تعهداتش، ناشی از کاهش ارزش دارایی‌های آن باشد.

نقدینگی بانک تأثیر مهمی در قدرت ایستادگی آن در مواجهه با نوسانات اقتصادی داشته و نظارت بر آن بسیار بااهمیت است. بانک باید نقدینگی کافی برای پاسخ‌گویی به تعهدات کوتاه‌مدت (تقاضای سپرده‌گذاران و وام‌دهندگان) داشته باشد و این موضوع تأثیر زیادی بر سلامت و ثبات نظام مالی دارد. از طرفی نقدینگی با سودآوری رابطه معکوس داشته، بنابراین، نهادهای مالی باید بین نقدینگی و سودآوری تعادل مناسبی برقرار کنند.[۲]

همان‌طور که در جدول ۲ نشان داده شده است، علامت تمام ضرایب متغیرهای توضیحی با ادبیات نظری و نتایج پژوهش‌های تجربی هم‌خوانی دارد. در بین متغیرهای توضیحی، متغیرهای نسبت هزینه، نسبت سرمایه، نسبت سرمایه به وام از لحاظ آماری معنی‌دار هستند. این مدل برای حالت‌های مختلف با متغیرهای مختلف مورد آزمون قرارگرفته است که در جدول ۲ نشان‌داده‌شده است.

یکی دیگر از آزمون‌های برازش مدل پروبیت، استفاده از آماره هاسمر و لمشو[۳] (۱۹۸۹) است. در این آزمون مقادیر انتظاری با مقادیر واقعی جهت ارائه مدل مناسب با یکدیگر مقایسه می‌شوند. اگر چنانچه این مقادیر اختلاف کوچکی داشته باشند نشان‌دهنده مناسب‌بودن مدل با داده‌های مورداستفاده است. مقدار آماره هاسمر-لمشو برابر ۵/۶۶ است که حاکی از وجود اختلاف بین مقادیر انتظاری و واقعی است.

---

[1] Baral (2005)

[۲] همان

[3] Hosmer & Lemeshow

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-05]

جدول ۱
آزمون مانایی متغیرهای مدل

متغیرهای توضیحی	آماره دیکی فولر	ارزش احتمال
نسبت هزینه	-۳/۲۴	۰/۰۴
نسبت سرمایه	-۲/۸۴	۰/۰۸
حاشیه سود	-۲/۶۱	۰/۱۲
نسبت سرمایه به وام	-۲/۶۳	۰/۱۲
نسبت وام به دارایی	-۵/۳۱	۰/۰۰
نسبت دارایی‌های نقد به سپرده‌ها	-۵/۵۹	۰/۰۰
بازدهی سرمایه	-۳/۱۳	۰/۰۵
بازدهی دارایی‌ها	-۲/۵۹	۰/۰۲
نسبت وام به سپرده	-۵/۲۲	۰/۰۰
شاخص ثبات بانکی	-۳/۷۴	۰/۰۵
چرخه‌های تجاری	-۴/۲۲	۰/۰۰
تورم	-۳/۱۲	۰/۰۵

نسبت هزینه با انطباق اصول بال ارتباط معکوس دارد، با کاهش نسبت هزینه و افزایش کارایی عملیاتی بانک، انطباق با اصول بال در ایران افزایش می‌یابد. کفایت سرمایه متغیری اساسی برای نشان‌دادن توان ایستادگی بانک و شرکت در برابر تکانه‌های وارده است. به‌عبارتی، کفایت سرمایه توانایی مالی بانک را می‌سنجد. بنابراین، بررسی نسبت‌های کفایت سرمایه ابزار مفیدی برای نظارت بانک مرکزی بوده و آن را از نحوه مدیریت سرمایه بانک‌ها آگاه می‌سازد. نسبت سرمایه و نسبت سرمایه به وام با تأثیرگذاری بر اصول ۱ تا ۶ در اصول ۲۵گانه کمیته بال، نشان‌دهنده ساختار سرمایه در نظام بانکی کشور بوده و با افزایش این نسبت‌ها میزان انطباق اصول بال در ایران افزایش می‌یابد. نسبت سرمایه به وام به ساختار ریسک اعتباری در بانک‌های کشور نیز اشاره دارد. اینکه چه میزان از سرمایه بانک صرف اعطای وام به مشتریان شده است در این نسبت مشخص می‌شود. هرچه این نسبت پایین‌تر باشد سرمایه بانک به‌جای‌آنکه صرف سرمایه‌گذاری‌ها شود به اعطای وام و افزایش ریسک‌های بانکی و یا مطالبات سوخت‌شده سوق پیدا کرده است.

برای استخراج سری زمانی چرخه‌های تجاری، از فیلتر آماری هدریک-پرسکات در دو مرحله استفاده می‌شود. در مرحله اول، سری زمانی موردنظر روندزدایی می‌شود. سپس از تفاوت سری زمانی با جزء استخراج‌شده، مجموع دو جزء چرخه‌های تجاری و جزء نامنظم به دست می‌آید. آنگاه جهت جداسازی جزء نامنظم از چرخه‌های تجاری اقدام می‌شود،

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-05]

به‌این‌صورت که براساس خصوصیت آماری این فیلتر، باقیمانده حاصل از آن دارای ویژگی متغیر تصادفی است. بنابراین، با اعمال مجدد این فیلتر بر سری زمانی موردنظر جزء چرخه‌های تجاری و علاوه بر آن باقی‌مانده حاصل که جزء نامنظم است، استخراج شده است.

جدول ۲

نتایج تخمین مدل پروبیت برای شناسایی عوامل مؤثر بر انطباق اصول بال در ایران

نام متغیر	مدل ۱	مدل ۲	مدل ۳	مدل ۴
نسبت هزینه	-۰/۰۷۷ (۰/۰۰)	-۰/۲۶۲ (۰/۰۱)	-۰/۱۸۲ (۰/۰۰)	-۱/۸۶ (۰/۰۰)
حاشیه سود	۰/۹۲۰ (۰/۰۱)	----	۱/۸۸۰ (۰/۰۳)	----
نسبت سرمایه	۰/۲۴ (۰/۰۳)	۰/۹۶ (۰/۱۴)	----	۱/۲۲ (۰/۰۳)
شاخص ثبات بانکی	۰/۱۳۲ (۰/۰۳)	----	۰/۲۲۱(۰/۰۲)	۱/۵۴(۰/۰۰)
نسبت سرمایه به وام	----	۰/۱۶۸ (۰/۲۵)	----	۲/۲۵۰ (۰/۰۳)
نسبت وام به سپرده	----	۰/۱۴۲ (۰/۰۳)	۰/۱۲۷ (۰/۰۱)	----
نسبت وام به دارایی	----	۰/۱۰۹ (۰/۰۲)	-----	----
چرخه‌های تجاری	---	----	----	۰/۰۰۰۴ (۰/۰۰)
تورم	----	----	----	-۰/۳۸۲ (۰/۰۸)
آزمون والد ضرایب	۵/۷۳ (۰/۰۲)	۴/۱۵ (۰/۰۴)	۵/۶۶ (۰/۰۲)	۳/۱۵ (۰/۰۸)

یادداشت. ارزش احتمال آزمون صفر بودن ضرایب درون پرانتز گزارش شده است.

چرخه‌های تجاری و تورم نیز به‌عنوان شاخص‌های شرایط اقتصادی بر نظام بانکی کشور تأثیر داشته و از عوامل مؤثر بر اصول بال است. برنامه ارزیابی بخش مالی با تأکید بر شاخص‌های اقتصاد کلان در کشورها ارزیابی خود را در هر بخش معنی‌دار تلقی می‌کند. ازاین‌رو، با درنظرگرفتن این دو شاخص سعی شده است ارتباط بخش بانکی با ثبات مالی در کشور حفظ شود. شاخص ثبات بانکی که براساس شاخص z-score و پژوهش‌های مرسیکا، شائک و ولف[1] (۲۰۰۷) نیز در مدل وارد شده است که مطابق با نتایج به‌دست‌آمده اثرات مثبت ثبات بانکی را بر انطباق اصول بال نشان می‌دهد.

[1] Mercieca, Schaeck & Wolfe

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-05]

۷ نتیجه‌گیری

همراه با تحولات صورت‌گرفته در بخش بانکی کشور (به‌ویژه فعالیت بانک‌های خصوصی)، حفظ منافع سپرده‌گذاران این بانک‌ها، همچنین جلب اعتماد عمومی درجهت کاهش تصدی‌گری دولت در نظام مالی کشور و ادامه حرکت آزادسازی در این بخش، تجدیدنظر در ساختار بخش نظارت و توجه به روش‌های جدید نظارت بانکی را ضروری‌تر کرد. بانک مرکزی با درک شرایط جدید و با استفاده از کمک‌های فنی صندوق بین‌المللی پول، نظارت مبتنی بر ریسک را به‌عنوان رویکردی جدید در نظارت بر بانک‌ها موردتوجه قرار داد.

شیوه نظارتی که سال‌ها توسط بانک مرکزی به‌عنوان ناظر قانونی بانک‌ها مورداستفاده قرار می‌گرفت، نظارت تطبیقی بود. آنچه در این شیوه اهمیت اساسی دارد، رعایت مقررات در بانک است، به‌طوری‌که در این شیوه، شاخص‌های اصلی استحکام و سلامت بانکی از قبیل وضعیت سرمایه وضعیت نقدینگی بانک، سودآوری آن، ماهیت درآمدهای بانک، کیفیت مدیریت آن، کیفیت دارایی‌های بانک و به‌طور کلی بانک به‌عنوان یک مجموعه در پیچ‌وخم مقررات و رعایت آن نادیده گرفته می‌شود. شیوه نظارت مبتنی بر ریسک که اخیراً موردتوجه بانک مرکزی در بخش نظارت قرار گرفته است، مجموعه فعالیت‌ها و امور نظارتی است که هدف آن شناسایی و کنترل ریسک‌های مختلف در یک بانک و جلوگیری از اشاعه آن به کل نظام بانکی و همچنین نظام مالی کشور است. ازآنجاکه حصول اطمینان از رعایت ضوابط و مقررات، خواست هر سامانه نظارتی است، نظارت تطبیقی زیرمجموعه‌ای از مجموع فعالیت‌ها در نظارت مبتنی بر ریسک است. چارچوب اصلی نظارت مبتنی بر ریسک، بر پایه اصول محوری کمیته بال و یا ۲۵ اصل نظارت بانکی مؤثر طراحی شده است.

در این مقاله باتوجه‌به ارزیابی میزان انطباق اصول بال در ایران، عواملی مانند نسبت سرمایه، نسبت هزینه، شاخص ثبات بانکی، چرخه‌های تجاری، تورم و حاشیه سود به‌عنوان عوامل تأثیرگذار بر پیاده‌سازی اصول بال در کشور شناسایی شده‌اند.

فهرست منابع

ارجمندنژاد، ع. (۱۳۸۵). *اصول بیست و پنج‌گانه نظارت بانکی مؤثر*. اداره مطالعات و مقررات بانکی، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.

Baral J. K. (2005). Health check-up of commercial banks in the framework of CAMEL: A case study of joint venture banks in Nepal. *Journal of Nepalese Business Studies, 2*(1), 41-55.

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-05]

Cornford, A. (2006). *The global implementation of Basel II: prospects and outstanding problems* (Issues in International Trade and Commodities Study No. 34). United Nations Conference on Trade and Development Policy.

Das, U. S., Iossifov, P., Podpiera, R., & Rozkhov, D. (2005). *Quality of Financial Policies and Financial System Stress* (Working Paper 05/173). International Monetary Fund.

Demirgüç-Kunt A., Detragiache, E., & Tressel, T. (2006). *Banking on the principles: compliance with Basel core principles and bank soundness* (Working Paper wp/06/242). International Monetary Fund.

Folpmers, M. (2010). Decoding Basel III: Buffers, benefits and bonuses breaking down Basel III's complex new capital and liquidity rules for banks, and exploring their short term and long term macroeconomic impact. *Risk Professional*, 4(3), 30-34.

Hosmer, D. W., & Lemeshow, S. (1989). *Applied logestic regression*. New York: John Willy & Sons.

Makwirmiti, A. M. (2008). *The implementation of the new capital accord (Basel II): A comparativestudy of South Africa, Switzerland, Brazil, and the United States (*Unpublished Master of Commerce Thesis). Department of Economics and Economic History, Rhodes University, Grahamstown South Africa.

Masood, O., & Fry, J. (2011). *Risk management and the implementation of the Basel accord in emerging countries: An application to Pakistan* (Personal Archive Paper, id 34163). RePEc, Munich.

Mehra, Y. S. (2010). *Operational risk management in Indian banks: Impact of ownership and size on range of practices for implementation of advanced measurement*. The Thirteenth Annual Conference on Money and Finance in the Indian Economy.

Mercieca S., Schaeck, K., & Wolfe, S. (2007). Small banks in Europe: Benefits from diversification?. *Journal of Banking and Finance*, 31, 98-1975.

Neville, L. (2005). *Basel II: A step up the ladder*. Risk management of South Africa.

Podpiera, R. (2004). *Does compliance with Basel core principles bring any measurable benefits?* (Working Paper No. 04/204). International Monetary Fund.

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-05]

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-05]